

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سوسن شهبازی
۲۱ جنوری ۲۰۱۹

«آه ای آزادی» نه به شکنجه! اما ...

رژیم آخوندی ایران از بدو استقرارش با ترور، شکنجه، زندان، اعدام و عوام‌فریبی به میدان آمد و همین اعمال بیرحمانه و بربریتش سبب پایداری این حکومت تا کنون گشته است. سینمای رکس آبادان اولین اقدام جنایتکارانه و مهندسی شده این رژیم سفاک است که در تاریخ معاصر جهان و تاریخ شکنجه بیسابقه است. حال ما به دنبال چه هستیم؟ یا چنین انتظار عبثی از این رژیم وجود دارد: که ما را شکنجه نکند؟ نکشد؟ دست و پیمان را قطع نکنند؟ تجاوز نکنند؟ بعد چه؟!؟

و آیا شکنجه فقط بدان معناست که من در سه نوبت چنان شلاق خورده باشم که پس از سی سال هنوز درد بکشم؟ یا آیا شکنجه به معنای همان مشقت و لگدی است که بر پیکرهای نحیف و استخوانی‌مان کوبیده باشند؟ اگر بدین معنی است، پس سکتۀ مادرم، وسط درب اتاق نشیمن، هنگام حملۀ وحشیانه سپاه به منزلمان برای بازداشت من و برادرم چه نام دارد؟ این شکنجه نیست؟! بازماندگان قربانیان این رژیم ددمنش: کودکان کار، زنان تن‌فروش، کارگران، بقالان، صیادان، معلمان، دانشجویان و دانش‌آموزان، ننه مدرسه، بابای فراش، حلیم‌پز محل، قصاب سرنیش، و..... که هر کدام بسا! ضرباتی سخت‌تر از! شلاق کف پای من، بر جان و جهانشان رفته و می رود، شکنجه نشده‌اند؟ و یا بازماندگان اعدامهای دسته‌جمعی اوایل انقلاب بدون دادگاه و وکیل، تنها به جرم طرفداری از حکومت شاه، ما را واداشته است، که سراغی از آنها گرفته و یا در جایی ثبت کنیم؟ تکلیف آنها چیست؟ آیا آنها نیز شکنجه نشدند؟

پس بهتر است وقتی از شکنجه صحبت می‌کنیم، اول واژه آن را بررسی کنیم، نقطه به نقطه، حرف به حرف، و بعد... برویم به بررسی زندانی به وسعت جهنمی به نام ایران هشتاد میلیونی و آمار بگیریم که از این تن‌ها، چند نفر آب خوش بدون شکنجه از گلویشان پائین رفته است؟ "و خانه‌های مردم و سرتاسر فلات"

انبوه بندهای عمومی و انفرادیست

ایران در این میانه تشویش

"مفهومی از اسارت و آزادیست"

همین!

نه به شکنجه!، اما پیش از آن: نه به حکومت ضد انسانی اسلامی ایران